



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۰/۰۵/۰۳

سید هاشم سدید

نسبت عقل و دین در تفکر اسلامی (عقل؛ برای شناخت سالم، اما در حد لازم)

منتقدین من باید بدانند که هدف من در بحثی که به راه انداخته ام، امکان شناخت کامل هستی در همین لحظه و زمان، و زمان ها و دوره های بلافاصل از آن نیست؛ زیرا چنین امری از عهده عقل بشری، نه به کمک دین و نه به کمک مجموعه ای از علوم تجربی - مکتبی - فلسفی - عقلی فعلاً ساخته است.

چنین انتظاری با میزان عقلی که ما اکنون داریم، از نظر من عین بلاغت، حماقت و کوتاهی نگرشی است. فتح قلعه مستحکم شناخت کامل هستی با سلاح کند، بازوان ضعیف و چشمان نیمه باز عقل، و عبور از تاریکی فشرده و انبوه عالمی از مجهولات و امور غایب، ممکن با نور و توان ضعیف اندوخته های تجربی - مکتبی - فلسفی - علمی - عقلی گاهی میسر گردد، اما پندار و تجسم پیروزی مطلق در میدان شناخت در این برهه ای از زمان، پنداری است بسیار خوشبینانه، اگر نگویم کودکانه. (با عرض پوزش؛ بعضی اوقات تکرار یک سخن از سری ناچاری ضروری پنداشته می شود)!!

خلاف این تصور، یعنی کسانی که فکر می کنند من از شناخت کامل خدا و هستی در همین برشی از زمان حرف میزنم، هدف من نه شناخت کامل، بلکه **شناخت سالم، ولی در حد لازم و به نسبت عقلی که انسان فعلاً دارد** از خدا و انسان و دین و مذهب و هدف از خلقت می باشد که باید از شناخت حداقلی به سوی شناخت حداکثری از دین، و شناخت حداقلی و حداکثری از انسان، همانگونه که هست، نه آنگونه که لحاظ می شود، و از هزاران مطلب خورد و بزرگ نماند و بی اهمیت و بی اهمیت دیگر با نق زدن و درگیر ساختن ذهن شروع شود و به پیش برود. بدون شناخت دقیق و همه جانبه و کامل از دین (و انسان و طبیعت)، نه شناخت خدا آسان خواهد بود و نه ایمان به خدا کامل و نیکو می گردد.

ایمانی بدون معرفت، ایمان کامل نیست. **معرفت به کمک فهم و تفکر به دست می آید و فهم و تفکر (اندیشه) حاصل قوه ای است به نام "عقل"**. (تأکید به خاطر است که یگان هموطن ما وقتی کلمه تفکر یا اندیشیدن را می بینند، چهره های شان مانند غنچه گل باز می شوند، ولی با دیدن لفظ عقل ابرو ها را در هم می کشند و جبین ترش می کنند، در حالی که مبدای تفکر و اندیشیدن غیر از عقل چیز دیگری نیست و بدون داشتن عقل اندیشیدنی وجود ندارد!) راه آن شناخت و این شناخت، شناخت قطعی، اگر ممکن باشد، و شناخت سالم در حد ممکن، راه "نقل"، یعنی دین به تنهایی نیست، و نه نگرش های شهودی، ذوقی یا عاطفی یا رجوع به قلب و ضمیر.

به عقل به عنوان مبداء و منبع اندیشه و فکر برای درنوردیدن دنیای مجهولات و نیمه مجهولات نیاز است. بنابراین عقل را نباید با سر زوری، یا حقارت ناشی از کم دانی یا نادانی، یا از روی خودپرستی و یا تظاهر به دینداری زیاد و ظاهر آ دلسوزانه محکوم به بی ارزشی کرد و به پس خانه ها برد و درون یخدان ها (نوع مخصوصی از صندوق های چوبی بزرگ قدیمی با فیته های آهنین برای نگهداری اموال با ارزش و قیمتی در خانواده ها) زندانی نمود! این شناخت ها، در قدم اول شناخت های سالم و در حد ممکن و در قدم دوم شناخت های قطعی، اگر میسر باشند، بدون یاری گرفتن از نیروی عقل و توسل به اندیشه به هیچ وجه میسر نمیفتند!

کسی که عقل خویش را بگونه در بست تابع نقل می سازد، هرگز قادر نخواهد شد از همان محدوده نقل و ثمره هائی خطا و صوابی به دست آمده ای که تا کنونی با آن سر و کار داشته ایم قدمی فراتر بگذارند. عقل یک انسان مانند وجود او محدود و متناهی است، اما عقل بشر در کلیت و در درازنای حیات و تاریخ بشری که در داد و گرفت و فعالیت های فردی گروهی در زمان های متفاوت و پیوسته به هم با هم هستند و با گذر زمان این فعالیت ها امتداد می یابد و به تاسی از آن عقل هم پیوسته رشد می کند و می بالد، با همه محدودیت ها، محدودیت عقل یک فرد انسانی را ندارد، مگر اینکه محدودیت های اجباری برایش ایجاد گردد - چنانکه در دوره های گذشته محدودیت های جابرانه و تنگ نظرانه برای خیلی از اندیشمندان در اینجا و آنجا، از جمله در کشور های اسلامی ایجاد شد. محدودیت هائی که مانع رشد فکری و اعتلای علم و فرهنگ و اندیشه در این کشورها گردید!

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولی

به عقل، حتا اگر برای خیلی از مطالب جوابی ندارد، باید زمینه کار و کوشش و پیدا کردن جواب داد شود. اگر همه هستی در برابر ما قرار ندارد، حداقل محیط و جهان خود ما در معرض دید و شناخت قسمی یا کلی ما قرار دارد. جهانی در معرض دید و تجربه ما هم، از نظر دین، کتابی است که به دست آفریدگار، هم برای سود بردن و هم برای رشد معرفت و اكمال شناخت بشر، تدوین شده است. بشر به مطالعه هر ورق آن برای دست یافتن به خوشبختی و کمال دانائی و رسیدن به شناخت از خود و از خدای خود احتیاج دارد.

خداشناسی و ایمانی بدون تعقل، خداشناسی و ایمان خشک و تنگ نظرانه و نارس طالبانی و داعشی و... است. در تاریخ اسلام گروه های بوده اند که می خواستند ایمان و عقلانیت را در هم آمیزند؛ ولی موفقیت چندانی به دست نیاوردند. علت ناتوانی این گروه ها، نقصان در نیت و اندیشه و یا عمل ایشان نبود. بلکه نادانی و تعصب خشک برخی از انسان های خشکه مقدس و علل سیاسی - اجتماعی - اقتصادی - روانی حاکم بر جامعه و ذهنیت ها موجب شدند که این کار

ارجمند و مکرم به وجه شائسته و گسترده به موفقیت نرسد. داشتن عقل و به کار بستن آن برای هر انسانی و در هر زمینه ای ضروری و مفید است. فضیلت انسان نسبت به سائر جانداران از نظر قرآن در عقلی است که خدا به وی عنایت کرده است: "لقد کرما بنی آدم... و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلا (سوره اسراء آیه هفتاد). ترجمه: ما بنی آدم را کرامت بخشیده ایم... و بر بسیاری از آفریده هایمان برتری داده ایم.

چگونه برتری داده است؟ با داشتن چه چیزی انسان نسبت به سائر آفریده های خدا برتری دارد؟ با عقلی که خدا به انسان داده و به سائر آفریده هایش به اندازه انسان نداده است! این نعمت بیهوده داده نشده است!

جدال کفر و ایمان را تنها با عقل می توان به سود ایمان به پایان برد، نه با نقل، زیرا جدال کفر خود در خصوص نقل به وجود می آید؛ و آنچه موجب و منبع جدال است، به عنوان برهان طرف قبول کفر واقع نمی گردد. عقل را نادانسته و نشناخته با پشت پا مزنند، خدا در امر دین و خداشناسی عقل را مکمل و مؤید همدگر ساخته است:

"در آفرینش زمین و آسمان و اختلاف شب و روز، نشانه ها و آیاتی برای صاحبان عقل و خرد است و جز خردمندان کسی پند نمی گیرد"؛ (بقره / ۲۶۹).

اصطلاح رواج یافته "عقلانیت دینی" در بحث های اندیشمندان دینی عصر ما، تأییدگر این دریافت واجب و دقیق دینی است که، اول - عقلانیت دینی تنها عقلانیت موجود در عرصه پهنای و مبسوط شناخت بشری نیست؛ و دوم - دین را هم باید مانند سائر افکار و مطالب با عقلانیت گشود و شناخت!

برخی از علمای دین می گویند:

" در تفکر دینی و منابع روایی اسلامی عقل از برترین مقام و منزلت در جهان آفرینش بر خوردار است و سر چشمه وجود و ریشه و اساس آفرینش به شمار می آید. بر طبق این منابع عقل را خدا از نور خویش آفریده و آن نخستین موجود نظام آفرینش و از سنخ مجردات است که در لسان حکما به عنوان "صادر نخستین" مطرح بوده است و..."

علمائی با اینگونه ارشادات، این برداشت ها را از کدام منابع استخراج و استنباط نموده اند؟! **وَاللّٰهُ اَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ اُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْاَبْصَارَ وَالْاَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ** (سوره نحل آیه 78).

جواب: به معاضدت و استعانت چشم و گوش و قلب دیدند و شنیدند و احساس کردد و با مغز تجزیه و تحلیل کرده به شناخت تبدیل نمود!

یکی از همین علما از پیامبر حدیثی را نقل می کنند که گفته بود: "انما یدرک الخیر کله بالعقل و لا دین لمن لا عقل له". ترجمه: "همانا تمام خیر با عقل درک می شود و کسی که عقل ندارد دین ندارد."

همچنان گفته اند که پیامبر فرمود: "فبالعقل عرف العباد خالقهم..." ترجمه: "**ایه وسیله عقل، بندگان خالق خویش را شناخته اند**".

همه می دانیم که در باب تشخیص احکام فقهی و تشخیص مصادیق حسن و قبح نیز عقل و نقش معرفتی عقل کمی شایانی بوده برای مجتهدین و قانونگذاران در عرصه های متنوع و متعدد.

تفاسیری متعدد و متنوع موجود در میان مسلمانان بی گمان و باید برای بیان کامل تر و روشن تر وحی الهی صورت گرفته باشد. اگر بیان وحی در همه موارد روشن بود، نیازی به تفسیر که محتاج عقل و شناخت منبع دین است، نبود. حال باید کمی به فکر فرو رفت که این همه تفسیر چرا به وجود آمد و به کمک چه پدیده ای صورت گرفته است؟ پرواضح است که به کمک عقل! تفاوت ها، اگر در برخی موارد وجود دارند، ناشی از میزان متفاوت عقل مفسران است!

حاصل سخن فوق این که: عقل با استناد به منابع دین اسلام هم چیزی باطل و اضافی نیست. و مذمت آن کاری نیست، غیر از مبهم گوئی و هذیان - و بگونه ای غیرمستقیم و فهمیده یا نفهمیده مخالفت با قرآن!

با ارائه مدارک محدودی از منابع دینی و غیردینی دانسته شد که جایگاه و ارزش عقل خلاف تصور برخی ها بسیار بالاتر از آن است که فکر می شود.

عقل بنا بر حدیث دیگری از پیامبر، آنجا که می گویند: "لکل شیئی دعامة و دعامة الدین العقل"، عمود دین است. ترجمه حدیث: "برای هر چیزی ستون و عمودی مقرر است و عمود دین عقل و خرد انسان به شمار می رود."

دوستی از پیامی حکایت کرد که یک پاکستانی خشکه مسلمان در فیسبوکش گذاشته بود؛ و گفت: پیام به زبان اردو همراه با تصویری بود از یک ماشین خیاطی بسیار قدیمی؛ شاید اولین ماشینی دوختی که در جهان ساخته شده بود. ترجمه پیام: "ماشین دوخت مبارکه حضرت خدیجه - سبحان الله".

کسانی که فاقد عقل تمییز دهنده هستند، یا کلاً عقل ندارند، یا دارند، ولی بنابر دلالتی نمی خواهند، یا نمی توانند از عقل شان استفاده بهینه بکنند، یا آنقدر زیر تأثیر شخصیت های دینی یا تقدس گرایی و قصه پردازی و پیر و پیر بازی و معجزه های اولیای دین قرار دارند که هیچ سخن دیگری غیر از آن چیز هائی که شنیده یا می شنوند به ذهن شان نه خطور می کند و نه می گنجد، با تجربه ای که از مسلمانان تندرو و افراطی در برخی از کشور های اسلامی داریم، این سخن را بدون تأمل و سنجش می پذیرند - مانند خود این پیامگذار.

این گونه انسان ها اصلاً به این حقیقت تاریخی توجه ندارند و ابداً به خود اجازه نمی دهند که پیرامون این واقعیت بدیهی فکر کنند که ماشین خیاطی برای اولین بار در اواخر قرن شانزده - حدوداً یازده صد و شصت سال بعد از دوران حیات حضرت خدیجه - ساخته شده و این که در زمان وی ابداً ماشین خیاطی وجود نداشت! علاوه بر این که دلیل خلاف گفته فوق را قبول نمی کنند، منکر این سخن را کافر و بی دین و ملحد و دهری گفته زجرکش هم می کنند!

چه چیزی و چه کسی راست و دروغ این گفته را آشکار و هویدا می کند؟ فقط عقل! عقل تنها پدیده و نیروی است که به درستی و نادرستی این پندار و امثال این گونه پندار ها و گفتار ها می پردازد و این چنین سخنان را در آزمایشگاه های مورد اعتماد تجزیه و تحلیل و آزمایش کرده رد یا قبول می نمایند.

حال، اگر عقل و عادت به اندیشیدن نبود، با چه وسیله ای می توانستیم صحت و سقم این بینش سخیف، و دروغ بودن این سخن باطل را دریابیم؟

یا این سخن مسیحیان را که با بر صلیب کشیده شدن عیسی مسیح همه گناهان مسیحیان بخشیده شده است. اگر همه مسیحیان بخشیده شدند، طی بیشتر از دو هزار سال، تا زمانی که پاپ موجود منکر دوزخ شد، چرا باز هم رهبران دین مسیحیت از دوزخ سخن گفتند و کماکان مسیحیان را از دوزخ ترسانند و می ترسانند؟

وقتی گناهان همه مسیحیان به دنبال به صلیب کشیده شدن عیسی مسیح بخشیده (شد) شده است، ادامه سخن از وجود دوزخ و تندی از آتش آن برای مسیحیان بی بیهوده و مسخره و اضافی نخواهد بود؟

این تناقضات در ادیان تنها به وسیله عقل قابل درک و از بین بردن هستند و تنها به کمک عقل است که انسان می تواند میان صحت و سقم اندیشه ها و نیات افراد و جماعتی که در پشت اینگونه اندیشه ها قرار دارند، مرزی تعیین کند. و شیادی و اغواگری های شیادان و اغواگران منفعت طلب را متوجه شود و به مقاصد سوء شان پی ببرد - چنانکه برخی از این یاوه سرایان کم عقل با نوشتن نام خدا از طریق فوتو شاپ در درون ناک و سیب یا خربوره یا در بال پرند یا روی پوست چرند یا درخت و... چنان وامی نمایانند که گویا حتی این میوه ها یا درخت و پرند و چرند و... هم برای اثبات وجود خدا به خدانا باوران نشانی را که از خدا و ایمان به خدا در خود دارند به آن ها می نمایانند. و فوتوشاب های مضحک دیگر...

تشخیص این نوع پندار ها و گفتار ها و کردار ها، و پندار ها و گفتار ها و کردار های همگون، ولی در عرصه های دیگر، به دوش عقل است. نقل در برخی موارد ساکت است. به همین دلیل مفسرین و مجتهدین و متکلمین برای توضیح بسیاری از مطالب در حدود و به اندازه عقل و توانائی خود وظیفه گرفته اند.

عقل و دین از هم جدا نیستند. بنابراین برای تکمیل شناخت هم از دین و هم از عقل باید استفاده کرد. عقل را نقل توجیه می کند، اما نمی تواند تعریف کند (معلوماتی که یکی از هموطنان ما پیرامون عقل ارائه نموده اند، باید تهیه شده توسط متخصصان مغز و اعصاب، که تحصیر کرده های مراکز علمی بیرون از حوزه های دینی می باشند، به کمک عقل باشد، نه به کمک و از منابع گوناگون دینی.

همچنان ناسازگاری عقل و ماهیت موضوع عقل را نمی توان به کمک نقل توضیح کرد و از میان برداشت. اما، ناسازگاری نقل را که به شکل اعتقادات فرقه ها و مذاهب و... به وجود آمده، یا در اثر تشبیهات انسانی به وجود می آید، می توان به کمک عقل از میان برداشت.

وجود نحله های متعدد و متنوع مذهبی ناشی از وجود ناسازگاری ها و برداشت های متفاوت این ها از متون دینی می باشد. این ناسازگاری را تنها عقل می تواند رفع کند، نه چیزی که خود موضوع ناسازگاری است.

پس به عقل احترام بگذارید و بیهوده و خلاف تعالیم دین و دست آورد های ملموس و عیان دانشمندان بیرون از حوزه های دینی در پی مذمت آن نباشید؛ بخصوص که خدای تان آن را ارج گذاشته و شائسته احترام دانسته و توجه بدان را بار بار در کتابی که به آن ایمان آورده اید، یادآور شده است.